

نقش زبان نمادین در تفسیر قرآن

فاطمه آناهید^۱

چکیده

زبان نمادین در مباحث دین‌شناسی بسیار مهم است. در خصوص دین اسلام، این سؤال مطرح است که چه دیدگاه‌هایی درباره نقش زبان نمادین در تفسیر قرآن وجود دارد و زبان نمادین چگونه در شناخت عمیق‌تری از تفسیر آیات قرآن نقش دارد؟ پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای، ابتدا به تعریف مشخصی از نماد و زبان نمادین پرداخته است و در ادامه دو دیدگاه متفاوت بر نقش زبان نمادین در قرآن ارائه کرده است. دیدگاه اول، نگاهی غیرمعرفت‌بخش است که برخی متفکرین مسلمان، به پیروی از مفسرین مسیحی و یهودی، برای همگام شدن با پیشرفت‌های علمی و باورپذیر شدن روایات قرآن مطرح کرده‌اند. در باور آنها زبان نمادین قرآن واقعیت‌گریز است و از تفسیر آیات، معنای حقیقی حاصل نمی‌شود. دیدگاه دوم، نگاهی معرفت‌بخش به زبان نمادین قرآن دارد و معتقد است که نمادها اشاره به حقیقت باطنی آیات دارند و نقش آنها در تفسیر قرآن، ایجاد لایه‌های معنایی عمیق‌تر است. در ادامه با تکیه بر تفسیر المیزان و تحلیل آیات منتخب، نشان داده شده است که نمادها از طریق «ارتباط با مخاطبان مختلف»، «تأثیرگذاری روانی و احساسی»، «انعطاف‌پذیری در تفسیر»، «ایجاد لایه‌های معنایی متعدد»، «انتقال مفاهیم پیچیده و انتزاعی» و «حفظ ابهام و اسرار» در تأویل‌پذیری و پویایی تفسیر قرآن نقش دارند و به درک عمیق مخاطب کمک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نماد، زبان نمادین، تفسیر، تأویل، قرآن.

^۱ طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه کریمه اهل بیت

مقدمه

بستر اجتماعی و فرهنگی معاصر، افق‌های تازه‌ای برای دین پژوهان گشوده و پرسش‌های زیادی را در فهم دین و تفسیر متون آسمانی ایجاد کرده است. بحث از زبان نمادین از مسائلی است که در دوران معاصر اهمیت زیادی یافته است. در موارد بسیاری گزاره‌های دینی بیانگر اموری هستند که حسی نبوده و خارج از قلمرو جهان مادی قرار دارند و این مسئله، پژوهشگران دینی را به سمت نمادین خواندن متون دینی سوق داده است. در کتاب مقدس مفاهیم مبهم و پیچیده، مفسران مسیحی و یهودی را بر آن داشته تا روایات این کتاب را سراسر نمادین و فارغ از ریشه‌های واقعی در جهان واقعی بدانند.

قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع فکری و عقیدتی مسلمانان جهان در طول تاریخ همیشه مورد توجه مسلمانان بوده و هست. علمای اسلام از همان سده اول بعد از هجرت شروع به تفسیر و شرح آیات این کتاب آسمانی کردند. در میان مباحث تفسیری همواره بحث زبان نمادین و تأویل آیات و مفاهیم قرآنی مورد توجه مفسران بوده است. هر گونه نگرش به این مقوله تأثیر مستقیم و بنیادین در تمام علوم اسلامی خواهد داشت. در میان نظریه‌های مختلف، افکار و آرا مفسر و اسلام‌شناس معاصر، علامه طباطبایی در مورد نماد و حقیقت تأویل در قرآن بسیار شاخص است. بنابراین در این پژوهش دیدگاه علامه طباطبایی معیار تحلیل و کتاب ارزشمند تفسیر المیزان به قلم ایشان، منبع ارائه تفسیر آیات قرار گرفته است.

در این مقاله به بررسی نقش زبان نمادین در قرآن و دیدگاه‌های شاخص در این زمینه پرداخته خواهد شد. هدف، ارائه یک دیدگاه جامع و دقیق از اهمیت نمادها در قرآن و نقش آنها در ایجاد مفاهیمی است که خارج از زمان و مکان پیدایش این کتاب، بر انسان‌ها مؤثر است و موجب هدایت و روشننگری آنها می‌شود. برای رسیدن به این هدف، باید به دو سوال اصلی پاسخ داده شود:

۱. درباره نقش زبان نمادین در تفسیر قرآن چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟
 ۲. زبان نمادین چگونه در شناخت عمیق‌تری از تفسیر آیات قرآن نقش دارد؟
- در پیشینه این پژوهش می‌توان به مقاله **قرآن و زبان نمادین** از محمد علی رضایی اصفهانی و مقاله تحلیلی **حقیقت تأویل در قرآن از منظر علامه طباطبایی** به قلم عبدالله جعفری و مقاله **علامه طباطبایی و زبان نمادین و انشایی در قرآن** از مریم شریف‌پور اشاره کرد که به دلیل بررسی آرا و نظرات موافق و مخالف در زمین نمادشناسی قرآن، از منابع مفید در انجام این

پژوهش بودند، اما به دلیل تمرکز بر نظریه‌ها و عدم تحلیل آیات و استخراج کاربردهای زبان نمادین در قرآن، با پژوهش حاضر متفاوت هستند.

در پایان باید اشاره کرد که این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، توصیفی – تحلیلی انجام شده است. به این ترتیب که ابتدا با مطالعه کتاب‌ها و مقالات، نظریه‌ای قابل قبول در مورد نمادشناسی قرآن به دست آمده، سپس با ترجمه و تفسیر آیات منتخب از قرآن، جایگاه نماد در ایجاد لایه‌های عمیق معنایی نشان داده شده است.

نماد

نماد یا سمبل از واژه یونانی symbol ریشه گرفته است. در زبان یونانی باستان، واژه symbolon به معنای علامت، نشان، مظهر یا نمود بوده است. این واژه از دو بخش تشکیل شده است syn به معنای «با» و ballo به معنای «انداختن» یا «پرتاب کردن». در نتیجه symbolon به چیزی اشاره دارد که با کنار هم قرار دادن دو بخش یا دو مفهوم ساخته شده است و نمایانگر یک مفهوم یا نشانه مشترک می‌باشد. این مفهوم به مرور زمان وارد زبان‌های مختلف شده و به شکل symbol در انگلیسی و سمبل یا مترادف آن یعنی نماد در فارسی درآمده است. نماد از «نمود» به معنای نشان دادن و نیز از «نمود» به معنای نمایان گردیدن است. مناسب‌ترین معنای رایج امروز نماد، معنی فاعلی آن یعنی «نشان‌دهنده»، «نمایان‌کننده» و «ظاهرکننده» است.^۱

نماد، چیزی یا شیئی است کمابیش عینی، که جایگزین چیز دیگر شده و بدین علت بر معنایی دلالت دارد. نماد، نمایش یا یک تجلی است که اندیشه و تصور یا حالتی عاطفی را به حکم تشابه یا هر گونه نسبت و رابطه‌ای، چه واضح و بدیهی و چه قراردادی تذکر می‌دهد. نمادپردازی یعنی نمایش چیزی توسط نماد، از تداعی معانی و پیوستگی تصورات و تصاویر ذهنی و احساسات نتیجه می‌شود و از این لحاظ، به راستی فرایند روانشناختی اساسی است که همه فعالیت عقلانی و بخش عظیمی از زندگانی عاطفیمان از آن نشأت می‌گیرد.^۳

بنابراین یک کلمه یا یک شکل، وقتی سمبولیک تلقی می‌شود که به چیزی بیش از معنی آشکار و مستقیم خود دلالت کند. سمبل دارای جنبه ناخودآگاه وسیعتری است که هرگز به طور دقیق تعریف یا به طور کامل توضیح نشده است و کسی هم امیدی به تعریف یا توضیح آن ندارد. ذهن

^۱ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۷۳۱.

^۲ ستاری، اسطوره و رمز، ص ۱۳.

^۳ همان، ص ۱۴.

آدمی در کندوکاو سمبل، به تصوراتی می‌رسد که خارج از محدوده استدلال معمولی هستند. چون اشیاء بی‌شماری در ورای فهم انسانی قرار دارند، ما پیوسته اصطلاحات سمبولیک را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا کاملاً بفهمیم. این یکی از دلایل است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبولیک به کار می‌برند. ^۱نماد نشان می‌دهد که چیزی هست که می‌تواند گفته شود اما این چیز هرگز نمی‌تواند یک بار و برای همیشه گفته شود. ^۲نماد با ازلیت و ابدیت پیوند دارد و به فرض فهم مسئله، موضوع همچنان رازآلود باقی می‌ماند. ^۳طرفداران معرفت شهود باطنی معتقدند که تصویر سنتی، محصول معرفت حسی است. اما تصاویر نمادین، ره‌آورد معرفت شهودی، باطنی و تأویل‌پذیر است. ^۴

نماد احساس حضور معنا را زنده می‌کند و به معنا جنبه عینی می‌دهد، زیرا با دنیای حس و احساسات و عواطف رابطه نزدیک دارد و با استفاده از همین انرژی‌هاست که می‌تواند مجموعه‌ای درهمی از معانی را یکجا متراکم کند.

هر خواننده اثر ادبی را به نسبت درک و احساس خود می‌فهمد. یک اثر نمادین را، همه به طور عادی و متشابه درک نمی‌کنند. بلکه هر خواننده بنا به وضع روحی و میزان ادراک خویش، معنی دیگری از آن می‌یابد. ^۵

در اینجا باید به دو ویژگی عمده نماد و اثر نمادین اشاره کرد: پویایی و اثربخشی. خواننده در مواجهه با متن نمادین، از باطن و ظن و گمان خود اثر نمادین را می‌خواند و با توجه به این که به طور قطع نمی‌داند معنای اثر این است و جز این نیست، اثر نمادین نوعی از پویایی و آزادی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند.

^۱ یونگ، انسان و سمبل‌هایش، ص ۲۴.

^۲ احمدی، ساختار و تأویل متن، ص ۳۷۰.

^۳ قبادی، تأملی در شناخت مرزهای نماد و تمثیل، ص ۲۴.

^۴ قلی‌پورزید، نمادشناسی حیوانات در امثال قرآن، ص ۱۹۹.

^۵ سیدحسینی، مکتب‌های ادبی، ج ۲، ص ۳۲۳.

تأویل

برای بررسی زبان نمادین در متون دینی و به طور خاص، در قرآن، ابتدا باید به مفهوم «علم تأویل» یا هرمنوتیک^۱ پرداخته شود. تأویل در زبان فارسی و عربی به معنای بازگرداندن چیزی به اول، به اصل آغازینش است. تأویل متن، در حکم کوشش برای راهیابی به افق معنایی اصلی متن است. هرمنوتیک کهن به معنای اصلی و نهایی متن باور داشت. بنا به بنیان این نگرش، هر متنی که انسان نوشته باشد، معنایی دارد که مراد ذهن مولف بوده است و کشف نیت مولف، هرچقدر دشوار، ناممکن نیست. در مقابل متنی که خداوند فرمان به نوشتن آن داده است، معنایی باطنی دارد که کشف آن برای ما ناممکن است، هرچند که معناهای ظاهری آن را می‌توان شناخت.^۲

از تمایز ظاهر و باطن، به تمایز تفسیر و تأویل می‌رسیم. تفسیر، بیان معناهای ظاهری یک متن دینی مانند قرآن است. تفسیر بدین سان، شناخت واژگان، قاعده‌های دستوری، قاعده‌های ادبی و زبانشناسیک، اشارات تاریخی و... است. هدف از تفسیر درک دقیق‌تر خواننده از متن است.^۳ تأویل به معنای بازگردان چیزی به اول یا اصل، یا سرچشمه هرچیزی است. تأویل متن، کوششی است برای راهیابی به معنای باطنی هر حکایت.^۴

علت گرایش انسان‌ها به نمادگرایی به خاطر نامحدود بودن معنا در زبان نمادین است. واژگان نمادین سبب شکل‌گیری متن با لایه‌های معنایی متنوع شده که بنا بر مقتضیات زمان و روحیه مخاطب تأویل‌های گوناگونی می‌پذیرد.

پیشینه زبان نمادین در متون دینی

نمادگرایی در زبان دینی را ابتدا بسیاری از متفکران مسیحی به پاره ای دلایل که یکی از آنها تعارض بین کتاب مقدس و داده‌های علمی بود، مطرح کردند. آنها به دنبال توجیه علمی برای روایات کتاب مقدس بودند و نتیجه، نمادین دانستن کتاب و غیر واقعی خواندن آن شد. به عنوان مثال، داستان طوفان نوح را نه گزارشی از یک واقعه تاریخی، بلکه طریقه ای سمبلیک برای تجسم قدرت خدا دانستند. با این تعبیر که خداوند افراد شرور را تنبیه خواهد کرد ولی در شرایطی نیز

^۱Hermeneutics

^۲ احمدی، ساختار و تأویل متن، ص ۴۹۷.

^۳ احمدی، ساختار و تأویل متن، ص ۵۰۴.

^۴ همان، ص ۵۰۵.

۵. انتقال مفاهیم پیچیده و انتزاعی

نمادها ابزارهایی قدرتمند برای انتقال مفاهیم پیچیده و انتزاعی هستند که بیان آنها به صورت مستقیم دشوار است. از طریق نمادها، می‌توان معانی عمیق فلسفی، عرفانی و اخلاقی را به شکلی که قابل درک شوند، منتقل کنند. به عنوان نمونه به آیه زیر می‌توان اشاره کرد:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ {۲۴}

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش

استوار و شاخه اش در آسمان است (۲۴)

در آیه به درخت با شاخه‌های بلند و ریشه‌های استوار اشاره شده است. در تفسیر این آیه نیز از انواع درختان نام برده می‌شود.

مقصود از **كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ** درخت خرما است که این قول بیشتر مفسرین است. لیکن دیگری گفته درخت جوز هندی است. یکی گفته هر درختی است که میوه پاکیزه دهد، از قبیل انجیر و انگور و انار. گفته‌اند درختی است که دارای اوصافی باشد که خدای تعالی بیان کرده، هرچند الان موجود نباشد^۱

علامه طباطبایی معتقد است که در این آیه مفاهیم عمیق‌تری بیان شده است که اگر خواننده به این تعاریف ساده سرگرم شود، از مباحث مهمی که باید پیرامون معارف کتاب خداوند به آن پرداخت و مقاصد و اغراض آیات کریمه قرآن باز می‌ماند. در ادامه توضیح می‌دهند:

کلمه طیبه‌ای که به شجره طیبه مثل زده شده اعتقادات قلبی صحیح (توحید) است که اخلاق حسنه و عمل صالح فروع و شاخه‌هایش می‌باشد. آنچه از دقت در آیات به دست می‌آید این است که مراد از کلمه طیبه که به درخت طیب تشبیه شده، عقاید حقی است که ریشه‌اش در اعماق قلب و نهاد بشر جای دارد. پس قول به وحدانیت خدا و استقامت بر آن قول حقی است که دارای اصلی ثابت است و به همین جهت از هر تغییر و زوال و بطلانی محفوظ است. و آن اصل دارای شاخه‌هایی است که بدون هیچ مانع و عایقی از آن ریشه جوانه می‌زند و آن شاخه‌ها عبارت است از معارف حق فرعی، اخلاق پسندیده و اعمال صالح که مؤمن حیات طیبه خود را به وسیله آنها تأمین نموده است.^۲

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۷۰-۷۱.

^۲ همان، ص ۷۱-۷۲.

درخت نماد توحید است که ریشه‌های عمیق در قلب‌ها دارد و ایمان و عمل صالح و آثار نیک آن به آسمان‌ها می‌رسد. این نماد به شکلی پیچیده و انتزاعی مفاهیم مهم دینی را منتقل می‌کند.

۶. حفظ ابهام و اسرار

آخرین کارکردی که برای نماد می‌توان عنوان کرد، حفظ ابهام و اسرار است.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

آری آن قرآنی ارجمند است (۲۱) که در لوحی محفوظ است (۲۲)

معنای ظاهری آیه این است که قرآن در لوحی محفوظ قرار دارد. اما در تفسیر این لوح محفوظ به نمادین و اسرارآمیز بودن آن اشاره شده است:

روایات در صفت لوح بسیار زیاد و مختلف است که جنبه تمثیل دارد. یعنی امور معنوی را با لسان مادی مجسم ساخته‌اند.^۱

این نمادپردازی، رازآلودی و ابهامی را ایجاد می‌کند که مخاطبان را به تأمل و جستجو برای کشف معانی عمیق‌تر ترغیب می‌کند.

آیاتی که روایت شد و به ترجمه و تفسیر آن پرداخته شد، نشان می‌دهند که چگونه نمادها در متن آیات در تأویل‌پذیری قرآن و انتقال مفاهیم عمیق‌تر به مخاطب نقش دارند.

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۲۵

نتیجه

زبانی که دین برای بیان معانی مکتب خود انتخاب می‌کند، باید زبانی چند لایه و تأویل‌پذیر باشد تا برای نسل‌ها و گروه‌های مختلف، قابل فهم باشد. این ویژگی به حیات دین در جغرافیا و تاریخ گسترده کمک می‌کند. قرآن، معجزه پیامبر اسلام و راهنمای زندگی پیروان این دین است و به کمال از ویژگی‌های زبان نمادین بهره برده است. دو دیدگاه شاخص درباره زبان نمادین قرآن وجود دارد. دیدگاه اول پیرو نظریه‌هایی است که مفسرین مسیحی و یهودی بر کتاب مقدس نوشته‌اند و در آن نماد نقش کاهنده معانی را دارد. یعنی در تفسیر آن معنای حقیقی و تاریخی کنار گذاشته می‌شود و معنایی مطابق با دانش و سطح درک امروزی بشر ارائه می‌شود. در این نگرش، امکان درک مفاهیم قرآنی برای مخاطب عام ایجاد می‌شود اما بخشی از اعجاز آیات و روایات حذف می‌شود و در نهایت، نگاهی غیرمعرفت‌بخش به متن قرآن است. این دیدگاه به دلیل فقدان حقیقت در معانی آیات، مخالفانی در میان مفسرین مسلمان و به خصوص شیعه دارد و باعث شده است دیدگاه دیگری مطرح شود که در آن نقش و کارکرد نماد، افزودن لایه‌های پیچیده معانی است. در این نگرش نمادانگاری در آیات قرآن همراه با واقع‌نمایی و معرفت‌بخشی است و این امکان را به اندیشمندان اسلامی داده است که تأویل‌های جدیدی از قرآن ارائه دهند. در میان مفسرین معاصر، علامه طباطبایی از جمله افرادی است که در تفسیر المیزان به این نگرش اهمیت بسیار داده‌اند. از نظر علامه طباطبایی، تمامی آیات قرآن دارای تأویل است و تأویل حقیقت اصلی قرآن را تشکیل می‌دهد و ریشه در معانی ذهنی ندارد بلکه از جنس امور خارجی است و عینیت دارد.

نمادها در قرآن از طریق «ارتباط با مخاطبان مختلف»، «تأثیرگذاری روانی و احساسی»، «انعطاف‌پذیری در تفسیر»، «ایجاد لایه‌های معنایی متعدد»، «انتقال مفاهیم پیچیده و انتزاعی» و «حفظ ابهام و اسرار» به تأویل‌پذیری و پویایی این متن مقدس کمک می‌کنند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که هر خواننده‌ای با هر سطحی از دانش و تجربه بتواند برداشت و درک متناسب با ظرفیت خود را از آیات قرآن داشته باشد. به عبارت دیگر، نمادها امکان تفسیر و برداشت‌های متفاوت و متنوعی را فراهم می‌کنند و به غنای معنایی و عمق پیام‌های قرآنی برای مخاطب می‌افزایند.

منابع

فهرست کتاب‌ها

- قرآن مجید (ترجمه فولادوند)
- احمدی، بابک، **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰ ه.ش.
- بابایی، علی اکبر، **مکاتب تفسیری**، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ه.ش.
- خامنه‌ای، سید محمد، **ملاصدرا، هرمنوتیک و فهم کلام الهی**، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی ملاصدرا، ۱۳۸۵ ه.ش.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ستاری، جلال، **اسطوره و رمز**، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ه.ش.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر، **تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ه.ش.
- سیدحسینی، رضا، **مکتب‌های ادبی (جلد ۲)**، تهران: نگاه، ۱۳۸۷ ه.ش.
- طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی)**، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ه.ش.
- علی‌زمانی، امیرعباس، **زبان دین**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، **نظریه سیاسی اسلام**، تحقیق و نگارش: کریم سبحانی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ه.ش.
- یونگ، کارل گوستاو، **انسان و سمبول‌هایش**، ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲ ه.ش.

فهرست مقالات

- جعفری، عبدالله؛ حسن‌زاده، صالح، «**حقیقت تأویل در قرآن از منظر علامه طباطبایی**» اندیشه علامه طباطبایی، شماره ۱، ۱۳۹۳ ه.ش.

- رضایی اصفهانی، محمد علی، «قرآن و زبان نمادین» آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، ۱۳۸۹ ه.ش.
- شریف‌پور، مریم؛ محمدرضایی، محمد؛ علم‌الهدی، سیدعلی؛ محمدی، ناصر، «علامه طباطبایی و زبان نمادین و انشایی در قرآن» پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۴، ۱۳۹۳ ه.ش.
- فراستخواه، مقصود، «حروف مقطعه قرآن و نماداندیشی دینی» بینات، شماره ۱، ۱۳۷۳ ه.ش.
- قبادی، حسینعلی، «تأملی در شناخت مرزهای نماد و تمثیل» مدرس علوم انسانی، شماره ۹، ۱۳۷۷ ه.ش.
- قلی‌پورزبید، طاهره؛ شایگان مهر، محمد؛ جعفری، محمد، «نمادشناسی حیوانات در امثال قرآن» عوم قرآن و حدیث، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۸ ه.ش.